



توانند فرود آید و آنچه در دست است به آنجا برسانند و آنجا که  
 روحانی قوام ساخت و هر چند که بنای آن به اختیار نبوده باشد  
 آنچنانکه قبلی مادی و گوشت بود و این روحانی و صفا پرور است  
 اشک در دست و آنالی در سینه است  
 امید ما آن است که در سینه از نور بخت دست در آید و در میان  
 آن خیر خرد آن خیر عالم آن آن از این خیر در حق تعالی شروع  
 بر خشنمگی تا نرسد به این دار و دنیا تا آنکه در درجه است اجابت  
 و خدمت باز نشد و با یک روح تا آنکه گنج و دولت حقین تمام  
 قوام شود شرق و غرب با یکدیگر بر تپد و ستاد آن گشته و از در خدمت  
 و اجابت آن در خدمت بالنت و ارتباط اقوام و ارواحی عالم بر خیزد  
 تا آنکه روحی به اندازن پرتا این روز فرود آید این سال در خدمت  
 بیشتر از پیشتر بهر سعه و کمون و بارگه

از بیانات مبارکه حضرت عبد الجبار

شکر تا در میان عرب خنده مسوم نیست چه در پیشگاه  
 مورخ و محبت و در آن که در درگاه آن استند در خانه ایشان  
 استند ابرو پایش و در آنجا استند زنگنه و اید آمار مورخانی  
 در غایت و در حق آنجا که هرگز نشود و شب که در میان عرب  
 بود و در یک خاطر جدید رسیده همین طوریست نفس سنین  
 تنها یک در میان تبلیغ نیز در میان خدمت اندیش در آن  
 در آن می نماند فکر نماند جز در خدمت آن است که در آن  
 خود تپت آنجا من خود خدمت به نام نمانی اینها نظیر طاعت  
 و کمال ف جمال مبارک زند ما حال دنیا هستیم و هیچ ظهور و کبریا  
 نیست مثل این است که هیچ نیستیم گوی در وقتیکه در امر کما بودیم  
 در دریا بودیم در میان خدمت بودیم و اخصی مشهور بود که  
 هنوز غیب و شهادت تا شید مکنند خدمت میکنند همین طوری که  
 بنیاد هر چند غیب تا شید است جمال مبارک میسبید به در آن  
 بیشتر که تپد بیکریم در آن استخرج بود در آن میانیم نورانی  
 اندوه بودیم تا آنکه ایشان لغت نمانیم اگر بگویم بروند تا آنها

اعتقاد آن نمیکند بسیاری از شما فراده گای در دنیا شید میروند و در  
 شکر و اثر نیست کسی اعتقاد نمیکند نه اینست و نه خرد زنی  
 در هر ترس تا بنی و آینه در دست مکنند ما در هر ترس و در شکریم  
 نهایت رعایت نهایت احترام نهایت حسن استقبال  
 است هر چند در همین جامع نکند نیست و اینها مستند نکند نیست  
 بر تقیم درین اینها درین جامع درین کما شرح مردم نهایت  
 وقت میشوند باین که تقایم جمال مبارک شید ظهور این امر  
 در اینها از پیشتر تا نهایت تفسیر و ادب شید کما صفا و کرم  
 از در هر هیچ محسوس این سرزاد بود خدمت بر روح مبارک تپت که در این  
 محسوس در هیچ کس نیست و در هیچ اینها نفس بیرون شید و در ارض و در  
 هر ساکت و دعاست مستمع نماند با وجود آنکه از هر دو دست حضرت است  
 که اگر در اینها و محسوس محبت بر او و شیدند ضعیف تر شید تا آنکه

زین شیدند و عواید چند مکنند تا کسی صورت از نشود و کما  
 استماع مکنند مجبور می شود با یکدیگر ساکت شود و از غیظ با یکدیگر  
 در سجده بیرون که بنحویز از بیرون حاضر نماند و محبت منفع می کف که در آن  
 در هر یک که در صف اندر و کلب بیرون نماند شکر که در آن حضرت است  
 هیچ کف که در روح در حضرت محمد و رسول بود شکر نبود کس تا شید  
 بر وجه آن بود شکر غیب جان اکبر داشت که ابرافض و اصد در آن  
 بعد که بر خواتم بودیم فافام بیرون آمد در حضرت بود و بنحویز اندر  
 به اینه بتو و اظهار کمزورتی و شکر مکنند گفتم فرما خواتم حالت  
 با بنحویز از خدمت بهم نماند گفتم در آن روزی شید بقدر بنام  
 شکر نماند دست دادند و اظهار شکر کردند حال آنکه در آن وقت  
 قمران چه استقامتی چه نمانی بود این بود که تا شید جمال مبارک  
 اندر آن تپت است جمال مبارک طیب را روشن کردن بود مدعی سرسوی  
 فریاد که فریاد این سرسوی هستیم درین هنوز غیب جمال مبارک بر این  
 در همین سراسر جاراته شید کرد که هنوز شهادت و هر کس اینها

سینه بجز غیب شهادت نصرت نیز مانیم بایر در بیان یافت  
 تا اینکه عمر و عنایت سلطان ختیجی ظاهر بر عیان شود در کمر کربان  
 بجزت منزلت تودا زنت ایشه در نهایت فرح و آرزوی  
 بد روح در بیان کبیر و کبیر کن بت بخیر کس بی ن در نهایت  
 بشود که مثل نشان مرد در فرج و صبح در قامت چنان بر سر رود  
 من ساعتی که بیداریت آستان شد بر بگذرد بشیر دارد

چون این تعالیه در کناش در مساجد  
 در سائر معابد ملل اخری حق بوده ینها  
 و کوشش یوزیها و کلوب احز ابها حق  
 مادیون اعلان گردند کلا اعتراف  
 نمایند این تعالیه سبب حیات جدیدی از برای  
 عالم انسانیت و علاج فوری جمیع امراض  
 هیئت اجتماعی ایداً نفسی تنقید نتواند  
 بلکه به مجرد استماع بطرب آید و اذعان  
 با هیت این تعالیه نماید و گوید :-  
**هذا هو الحق وما بعد الحق**

**بَرَهَانَ كَامِعٍ وَلَا يَلْبَسُ طَع  
 دَمِ اثْبَاتٍ وَجُودِ الْوَهَيْتِ**

بقیة لوح مبارک  
**«تعالیم حضرت بهاء الله»**  
 امامان اجتماعیه ما یعنی تعالیم حضرت بهاء الله  
 که ۵۰ سال پیش منتشر شده جامع جمیع تعالیم است و وضع و  
 مشهور است که بیاج و فلاح بدون این تعالیم از برای عالم انشا محمل  
 و منع و حال و هر فرقه فی العالم انشا نهایت الخیر است بر این تعالیم  
 انشا موجود و مشهور بیند این تعالیم مانند شجر است که میوه جمیع اشیا  
 در او موجود و بخو اکمل شلافیو فها مسائل اجتماعی را بخو اکمل در این  
 تعالیم آسمانی شاهد مینمایند و همچنین مسائل حکیه بخو اشرف که  
 معارف حقیقت و همچنین اهل ادیان حقیقت دین را در این تعالیم  
 آسمانی مشهور آیینند که باده قاطعه و حجت واضحه  
 اثبات مینمایند که حقیقت علاج حقیقی عالم و امراض هیئت  
 عمومی عالم انسانیت اگر این تعالیم عظیمه انتشار یابد  
 هیئت اجتماعی عموم انسانی از جمیع غمخوارات و علل و امراض  
 مزمنه بجات یابد و همچنین مسئله اقتصاد جهانی  
 نهایت آرزوی عمال و منتهی مقصد احزاب اقتصادات  
 بالأختصاص جمیع احزاب بهره و نصیبی از تعالیم  
 بهاء الله

**الا الضلال المبین**  
 در آخر قول این چند کلمه مرقوم  
 میشود و این از برای کل حجت و برهان  
 قاطع است :  
 تفکر در آن فرمائید که قوه  
 اراده هر پادشاه مستقلاً در ایام  
 حیاتش نافذ است و همچنین قوه اراده  
 هر فیلسوفی در چند نفر از تلامیذ در  
 ایام حیاتش مؤثر اما قوه روح القدس  
 که در حقایق انبیا ظاهر و باهر است  
 قوه اراده انبیا بدرجه که هزاران سال  
 در یک ملت عظیمه نافذ و تأسیس  
 خالق جدید مینماید و عالم انسانی را از  
 عالم سابق بعالم دیگر نقل مینماید  
 ملاحظه نمائید که چه قوه ایست  
 این قوه خارق العاده است و برهان کافی  
 بر حقیقت انبیا و حجت بالغه بر قوت و حجت است  
 و عليك اليه و الايحي . عبد البهاء عباس